

دو جنگ رهبری شده از جانب آمریکا در عراق که پشت سر خویش صد ها تن از مُهمات اورانیوم و دیگر ضایعات سمی باقی گذاشته است.

Two US-led wars in Iraq have left behind hundreds of tons of depleted uranium munitions and other toxic wastes.



Bombsites like this one in Fallujah remain toxic and likely [continue](#) to cause

سرطان میراث باقیمانده از جنگ های (امپریالیستی- مترجم) عراق!

جنگی که به بهانه سلاح کشتار جمعی و شیمیایی که هیچگاه یافت نشد و مبارزه با دیکتاتوری و تروریسم که موجب شیوع اپیدمی وار آن شده و آوردن دموکراسی با بمب فسفوری سوزاننده که رهاورد آن سوختن تمام موجودات زنده و بدنهای دفرمه شده نوزادان و آه مادران فالوجه و... بوده ، در روز 19 مارس 2003، فرمان آن از جانب یک احمق، یک جانی، یک برگزیده سرمایه امپریالیستی آمریکا صادر شد و مورد پشتیبانی دیگر دولت های امپریالیستی بویژه بریتانیای بزرگ با دولت سوسیال دموکرات، اسپانیا و ایتالیا و با کمک و یا سکوت مرگبار دیگران آغاز شد و مرگ آفرید و ویرانی ببار آورد و میلیاردها دلار سود نصیب شرکت های بزرگ چند ملیتی نمود و هنوز توسط گانگسترها و چوخی های مرگ دست ساز سازمان جنایتکار و مخوف امنیتی سیا ادامه دارد. مترجم

نوشته شده بوسیله داهر جمائیل

دوشنبه 25 مارس 2013

انتشار در سایت ضد

برگردان بفارسی

حمید قربانی- 31 مارس 2013

فلوجه عراق بدلیل آلودگی ناشی از اورانیوم ناقص (ضعیف شده) و سایر آلودگی ها در رابطه با مواد انفجاری سمی خطرناک و سایر فلزات موجود و مهمات جنگی به کار برده در جنگ بوسیله سربازان متمدن آمریکائی به مکانی تبدیل شده است که در آن تولد کودکان ناقص العضو، انواع بیماری سرطان و دیگر امراض خطرناک نسبت به سایر مناطق عراق به طرز باور نکردنی افزایش یافته است.

خیلی از پزشکان حاذق و محققین امراض شناس بر این عقیده اند که دلیل رشد و توسعه امراضی که قبلاً در عراق دیده نمی شدند از قبیل امراض جدید کلیوی، تنفسی (ششی) و جگر و همچنین کلا فروپاشی سیستم دفاعی بدن به دلیل آلودگی ناشی از اورانیوم ناقص می باشد که آنرا با (DU) نشان می دهند. اورانیوم ناقص می تواند دلیل امراض بیوشیمیائی، ادراری و کم خونی بویژه در کودکان باشد که امروزه در بسیاری از مناطق عراق شیوع یافته و گزارشات زیادی از آن موجود است.

همچنین سقط جنین ها و نیز زایمانهای پیش از موعد و حتی جنین های مرده و ناقص الخلقه و به دنبال آن، مرگ بنوزدان. مادران عراقی به طرز حیرت انگیزی و بویژه در مناطقی که نیروهای آمریکائی حملات سنگینی مانند فلوجه داشته اند، افزایش چشمگیری یافته اند.

آمارهای رسمی دولت عراق نشان می دهد که قبل از شروع جنگ خلیج در 1991، تعداد بیمارهای سرطانی در عراق 40 نفر از 100000 بود. سال 1995 این رقم به 800 در 100000 انسان رسید و در سال 2005 این رقم دو برابر یعنی حداقل 1600 در 100000 انسان و بعد از آن واقعیات و آمارهای کنونی نشان از ادامه و توسعه این روند دارند.

البته این در حالی است که این آمارها به دلیل نبود اسناد مناسب، تحقیقات و گزارشات بسیار ناقص هستند و گر نه واقعیت خیلی وحشتناکتر از این هاست. سرعت توسعه سرطان و دیگر امراض بیوشیمیائی و غیره خیلی بیشتر از آمارهای موجود است. دکتر **صالح هداد** مسئول اجتماعی سازمان بهداشت به خبر نگار الجزیره چنین می گوید: «در دست داشتن آمار سرطان خیلی دشوار است، زیرا که فقط نیمی از درمان و بهداشت در عراق دولتی است. آن نیم دیگر خصوصی است و اغلب پزشکان و مسئولان بخش خصوصی بهداشت و درمان تعداد بیماران سرطانی را گزارش نمی کنند. به همین علت همه آمارهای موجود در رابطه با امراض در عراق را باید دو برابر کرد تا حداقل واقعیات را در یافت، آری با احتمال زیاد این آمار نیمی از شیوع بیماری ها را نشان می دهد.»

محیط های سمی

دکتر هداد عقیده دارد که ارتباط مستقیمی بین رشد سرطان و مقدار بمب های ریخته شده بوسیله سربازان آمریکائی در مناطق مشخصی از عراق وجود دارد. این ارتباط خیلی روشن و آشکار است. دکتر هداد می گوید: «همکارانم و من به طور ناباورانه ای شاهد رشد متولدین ناقص الخلقه، و خواجه شده گی (استرلیزه شدن) در فالوجه را شاهد هستیم.»، «در فالوجه ما به طور واقعی با مواد

سمی مخدر مانند که اعصاب را مختل می کند که باقی مانده اورانیومی است که از بمباران سربازان آمریکائی به جا مانده و باعث مشکلات بسیاری برای ما شده است.»

در سال 2004 نیروهای نظامی آمریکائی دو بار شهر فاجه را محاصره نظامی کرده و شهر را از هوا و زمین با بمب های مشهور از جمله بمب های فسفری در هم کوبیدند و مقدار متناهی از این بمب ها را بر سر مردم فقیر و زجر دیده منطقه ریختند.

دکتر هداد به خبر نگار تلویزیون الجزیره گفت: «ما در هراس و وحشت برای آینده کودکانمان زندگی می کنیم که هدف ارتعاشات و دیگر مواد سمی قرار گرفتند که بوسیله نیروهای نظامی آمریکائی بر شهر و محیط زندگی ما ریخته شدند.»

اغلب در تحقیقات اشاره به مطالعه ای می شود که در سال 2005 تا 2009 در فلوجه عراق در رابطه با مرگ و میر نوزادان و تولد های ناقص الخلقه و مشکلات جنسیتی که خانه به خانه از 700 زن انجام گرفته است.

گروه تحقیقات در رابطه با سرطان بالای نوزادان و صدمات جنینی مصاحبه های بسیاری انجام داده اند. یکی از محققین و شیمیست به نام کریز بوئی می گوید که بحران سلامتی و بهداشت فالوجه نشان دهنده این است «صدمات ژنتیکی که وارد شده اند، بالاترین میزانی از صدماتی است که در هیچ کجا و در مورد هیچ جمع و جمعیتی که تا کنون مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته اند، موجود نیست و تحقیقات تا کنونی نشان نمی دهند.»

دکتر مژگان صبائی اصفهانی که یکی از محققین توکسیکولوگ محیط زیستی مؤسسه ای است که مقر آن در آن آربر (Ann Arbor, Michigan) واقع است. او نویسنده دهها مقاله است که بیشترینشان در باره تأثیرات و نتایجی است که مواد آلوده به سموم سلاح های جنگی و اثرات مخرب آنها در بهداشت انسانها و محیط زیست می باشد. تحقیقات او بیشتر متمرکز شده است در باره اثرات مواد سمی و آلوده جنگی که در شیوع افزایش یابنده سقط جنین موثر می باشند که در شهرهای مختلف عراق رُخداده است.

او به تلویزیون الجزیره می گوید «اغلب انسانها بعد از بمبارانها دو باره به خانه های ویرانه شده خویش برگشته اند و یا اینکه در ساختمانهای اسکان یافته اند که فلزات باقی مانده از بمب بارانها موجود هستند.

تحقیقات ما در فلوجه نشان داد که اغلب ساکنین محلات بمباران شده به خانه های خویش بعد از قطع بمبارانها برگشته و در آنجا زندگی می کنند و یا به شیوه های گوناگون در خانه هائی زندگی می کنند که بر روی خرابه ها ئی که مواد آلوده جنگی در آنجا وجود دارد، ساخته شده اند. هنگامی که محیط زیست چنین است، آنها ماتریالی را در ساختمان سازی به کار می گیرند که آلوده به موادی است که از قطعات تکه تکه شده فلزات از بمبارانها باقی مانده، می باشند، این بدین معنی است که مواد آلوده به سموم هلاک کننده در تمام منطقه و محیط زیست پراکنده و گسترش می یابد و همه چیز را در خود غرق و آلوده می کند.

او اشاره می کند که چقدر فشنگ آلوده به اورانیم و مواد دیگر سمی بر روی محیط زیست عراق ریختند.

او بر اساس تخمین های مراکز اداری رسمی آمریکا می گوید « بین سال 2002 و 2005 تعداد 6000 میلیون فشنگ و گلوله از همه نوعش را نظامیان آمریکائی بر روی شهر های عراق سرازیر کرده اند.

بر طبق دانسته های صبائیه اصفهانی، فلزات آلوده بوسیله بمبارانها و تیر اندازی ها و سایر مواد منفجره که مهمترین آنها عبارتند از سرب، جیوه، اورانیوم و دیگر فلزاتی که در ساخت سلاح ها به کار رفته است، در محیط زندگی مردم عراق به وفور و به مقدار کافی موجود است. این ها همه کمک می کنند که صدمات جنینی، بیماری های ناشی از نابودی و ضعیف شدن سیستم عمومی دفاعی بدن و سایر بیماری ها در میان مردم شیوع یافته و همه گیر شوند، همچنانکه شده اند. او گفت: « مطالعات ما در شهر های عراق، فلوجه و بصره تمرکز یافته است بر روی کودکان ناقص العضو»

تحقیقات او در این دو منطقه نشان می دهد که بسیاری از جنین ها صدمه دیده اند، بخصوص آنها با نقص عصبی، نقص قلبی متولد می شوند. بویژه بررسی ها نشان می دهند که دو ماده فلزی، زهری عصبی یا مخدر سرب و جیوه بیشترین صدمات را وارد کرده اند. او گفت « در هر صورت این اپیدمی صدمه دیده گی نوزادان عراقی که در سطح و ظاهر (قله کوه یخ- مترجم) مشکلاتی است که در یک کلیت مردم زجر دیده در شهر های بمب باران شده عراق با آنها دست به گریبان هستند و این مسئله باعث آلودگی شیمیائی کودکان و بروز انواع دیگر سرطان در آنها گردیده، که همچنان این رشد ناهنجار در عراق ادامه خواهد یافت. »

کودکان فلوجه

پزشکان در فلوجه شهادت می دهند که بیماری و صدمات عدیده ای را در نوزادان تشخیص داده اند. آنها می گویند که روز بروز بر تعداد نوزادانی با مشکلات جدی از قبیل اینکه کودکانی که با دوسر متولد می شوند، کودکانی که فقط با یک چشم که گاهی در وسط صورت می باشد متولد می گردند، تومور های بدخیم سرطانی و پیکرهایی با صورتهای چروکیده و در هم رفته ترسناک به مانند) جانوران خون آشام) و پیکر های ناقص با مشکلات پیچیده در سیستم عصبی.



Doctors in Fallujah are registering hundreds of babies with severe birth defects, which they attribute to DU munitions and other war toxins (Dr. Samira Alani/Al Jazeera)

امروزه از ساکنین شهر فلوجه خیلی ها به الجزیره گزارش می کنند که اکثر خانواده ها وحشت دارند که دارای بچه شوند، و تعداد بیشماری از زنان سقط جنین کرده و به یکدیگر هشدار و اخطار می دهند

که جنینشان را سقط کنند چرا که نوزادان ناقص العضو بدنیا می آورند که دارای بیماری های سخت و ناعلاج و بدنهای واقعن دفرمه شده ای هستند.

دکتر سمیرا علانی، یک متخصص کودکان در بیمارستان مرکزی فلوجه است. او بر طبق علائق شخصی، علاقه مند است که در باره این فجایع یعنی کودکان ناقص العضو متولد شده در سایه شوم جنگ و اشغال و محاصره های آمریکائی که روز بروز بر ابعادش افزوده می گردد تحقیقات نماید که این تحقیق و مطالعه مربوط خواهد شد به سال 2005 و به بعد از آن.

" ما اکنون انواع نقص ها را داریم، همه یا با بیماریهای قلبی متولد می شوند یا نداشتن اعضای فیزیکی اعم از اعضای مختلف بدن، تعدادی که شما نمی توانید تصورش را بکنید."، دکتر خانم علانی برای گزارشگر تلویزیون الجزیره در اتاق کارش تعریف می کند. او این ها را سال قبل در حالی تعریف می کرد که دور تا دور اتاق اداره اش پر از عکس های شوک کننده از جنین و نوزادان ناقص العضو بود.

علانی همچنین یکی از نویسنده گان تحقیقاتی است که در سال 2010 منتشر شده و نشان می دهد که درجه امراض قلبی در فلوجه 13 برابر بیشتر از اروپا است. و نیز صدمات بدنی و همچنین نقص جدی در سیستم عصبی، در فلوجه نسبت به اروپا 33 برابر در همان تعداد متولدین است.

این را باید با این واقعیت در نظر گرفت که زنان در خیلی از خانواده یا حامله نمی شوند و یا از ترس تولد نوزاد ناقص سقط جنین می کنند و خیلی ها نیز در خانه و نزد قابله های محلی و در کلینیک های خصوصی که اصلاً آماری ثبت و منتشر نمی کنند، وضع حمل می کنند، در خود رنج می کشند و می پوسند و دم بر نمی آورند، چون فرهنگ مذهبی و خرافی این اوضاع و تولد فرزندان ناقص را ناشی از گناه والدین و بویژه مادران داغدار می دانند و بعنوان عذاب الهی و در زمره امتحان دنیوی برای رهایی آخروی می دانند. مترجم

در 21 دسامبر 2011، دکتر علانی برای تلویزیون الجزیره تعریف می کند که از بعد از 2009 او خودش تعداد 677 بچه ناقص متولد کرده است. این رقم تا 8 روز بعد از آن یعنی 29 دسامبر که خبرنگار الجزیره از شهر دیدن میکند به 699 رسیده بوده است. دکتر علانی از سال 1997 تا کنون در بیمارستان مرکزی فلوجه بعنوان متخصص کودکان کار می کند.



Multiple birth defects, many as severe as this, have become common with babies born in the aftermath of US assaults on the city (Dr. Samira Alani/Al Jazeera)

علانی به گزارشگر صد ها عکس از نوزادانی را نشان می دهد که بدنشان سوراخ سوراخ شده، سرهای بزرگ دارند و اعضائی که مانند انسانهای بالغ رشد یافته اند و با یک چشم متولد شده اند که چشمشان در وسط صورت روئیده است، گوش ها و اندام های رشد نیافته و با بینی و پشت ناقص. او برای گزارشگر از نوزادانی تعریف می کند با سوراخ عصبی "thanatophoric displacia"، سیستم عصبی تکمیل نشده، انحراف در استخوان پا و قفسه سینه که " برای نوزاد زندگی کردن را غیر ممکن می کند".

" بوسیله دادگاه و قوانین حقوقی پزشکی به اثبات رسیده است که دلیل سرطان اورانیوم منفجر شده، می باشد، این را بوسیله برای الجزیره تشریح کرده است. «تحقیقات دهساله اخیر نشان داده اند - آنها برای انسان اثبات و آشکارنموده اند که اورانیوم خطرناکترین ماده ای است که تا کنون انسان شناخته است، مخصوصا با شیوه ای که در این جنگ ها مصرف شده است.»

در یولی 2010 بوسیله یک تحقیقات بیرون داد که نشان می دهد که سرطان در کودکان در فلوجه بعد از حملات سال 2004، 12 برابر شده است. همچنین این مطالعه نشان داد که قسمت های ارگان تناسلی در هم پیچیده شده است، این در نوزادان پسر 86 و در دختران 100 عدد بوده است، و با صدمات ژنتیکی همراه بوده است، این صدمات از صدمات ژنتیکی هیروشیما خیلی خطرناکتر می باشند.

دکتر علانی به ژاپن برای گفتگو با محققین و پزشکانی که در مورد ناقص الخلقه های هیروشیما و ناکازاکی تحقیق می کنند که بر اثر ارتعاشات بمب های اتمی که آمریکا در جنگ دوم جهانی بر سر مردم این دو شهر ریخت، سفر کرده است. او در یافت و دانست که در این شهرها تعداد نوزادان ناقص و معیوب بین 1 و 2% است. علانی در یافته است که در فاجعه این نسبت 14/7% است این یعنی 14 برابر در فلوجه بیشتر از مناطق بمباران شده ی اتمی در ژاپن نوزدان ناقص العضو رشد دارند. در مارس 2013 علانی به الجزیره می گوید که در فلوجه تعداد نوزادان ناقص الخلقه حدودا 14% می باشد.

این البته خیلی تعجب برانگیز است زیرا که این آمارها اصلا واقعیت موجود را بیان نمی کنند. دکتر با تعجب به این اشاره می کند، همچنانکه در بالا از آقای دکتر هداد بیان شد، بحران سلامتی و بهداشت عمیق تر و گسترده تر و وضعیت در واقع بسیار بدتر از اینها است که این آمارها نشان می دهند.

« ما در اینجا هیچ گونه سیستمی نداریم که بتواند همه اتفاقات را ثبت کند. بدین ترتیب خیلی از اتفاقات را ما از دست می دهیم.»، او می گوید.



Dr. Samira Alani is the only person in Fallujah registering cases of newborn malformation (Dahr Jamail/Al Jazeera)

" من فکر می کنم و باور دارم که من فقط 40 یا 50 % از تعداد واقعی را می دانم و از آنها آگاه هستم، زیرا که خیلی از خانواده ها نوزادان شان را در خانه متولد می کنند و از آن مهمتر اینکه کلینیک های دیگر این نوع مسائل را ثبت نمی کنند و ما از چنین بچه هایی به طور کلی بی اطلاع هستیم. ».

به اضافه اینکه دکتر علانی تنها پزشکی است که در شهر فلوجه این اتفاقات را ثبت و گزارش می دهد، پس خیلی واضح و روشن است که او به تنهایی قدرت و امکان ثبت همه اتفاقات را ندارد و به گفته او این طبیعی است که چنین کمبودهایی موجود باشند.

او بیان می کند « ما این انبوهی از نوزادانی که با نقص سیستم های گوناگون بدنی متولد می شوند، داریم. " چند نقص در یک طفل. به طور نمونه یک نوزاد با نقص در سیستم مرکزی اعصاب، استخوان ناقص و رشد نیافته و قلب ناقص و با کمبود. امروزه چنین چیزهایی در فلوجه خیلی معمولی است. »

چیزی که علانی اعلام می کند، همچنانکه تحقیقات ساوابیه اصفهانی نیز اخطار می کند. بیمارستانی که دکتر علانی در آن کار می کند در سال 2008 در منطقه دهوباده (Dhubadh) شهر فالوجه ساخته شد. بنا به گفته علانی این منطقه در محاصره نیروهای نظامی آمریکا بوده است که در ماه نوامبر 2004 بشدت بمباران شد.

دکتر ساوابیه اصفهانی تعریف می کند که تحقیقات او دو شهر بصره و فلوجه را نشان می دهد که هر دو منطقه بوسیله نیروهای آمریکایی اشغالگر و متجاوز در سال های 1991 و 2003 با سلاح های خیلی سنگین بمباران شده اند و به شدت و به وفور این دو شهر آلوده به دو تا از خطرناکترین و سمی ترین فلزات یعنی سرب و جیوه گردیده اند. او اشاره می کند " این انفجارات برای اینکه یک نسل گُشی واقعی خلق نماید، کافی بودند، ارتعاشات این نسل گُشی بدنبال خویش سرطان را به ارمغان آورده است و از خود باقی گذاشته است. »

او گفت هنگامی که با سلاحی اروانیوم ناقص را منفجر می کنی و یا هدف خودتان را با فشنگ و دیگر مهمات آلوده به اورانیوم می زنی، « ذرات فلزات موجود در آن پراکنده شده و ابرهای ذراتی چون DU ایجاد می کنند که اندام های طرف مقابل را از کار می اندازد و در هم می شکند. این

ذرات می توانند داخل مواد خوراکی شده و بوسیله خوردن مواد خوراکی آلوده وارد بدن انسان شوند. ذرات سمی همچنین در هوا پخش می شوند و بوسیله وزش باد در منطقه بزرگی پراکنده شده و هوای تنفسی را آلود به سم های خطرناک می کنند و تمام منطقه را برای نفس کشیدن هر موجود زنده ای مضر می گردانند. کشور عراق به وزیدن بادهای همراه با شن و ماسه اش معروف است نفس کشیدن یعنی داخل بدن دادن این هوای آلوده، هوای آلوده ای که به ذرات سمی آغشته است و می تواند موجب و سبب ساز سرطان شود. نفس کشیدن در هوای آلوده با ارتعاشات آلفا می تواند یکی از دلایل قطعی تولید سرطان در انسانها باشد.

بصره و جنوب عراق

در استان بابل در جنوب عراق بعد از سال 2003 تعداد سرطانهای کشف شده به طور وحشتناک چشمگیر و بسیار ناراحت کننده و آزار دهنده ای افزایش یافته است.

دکتر شریف آل-عالوچی، سرپرست مرکز سرطان شناسی استان بابل، علت و مسئول این افزایش وحشت برانگیز سرطان را بمباران های ارتش آمریکا با سلاح اورانیوم ناقص در و بعد از تجاوز و اشغال 2003 می داند.

" محیط زیست بوسیله مواد باقی مانده از کاربرد سلاحهای شیمیایی و اورانیوم ضعیف شده تلنبار گردیده که بعد از جنگ بر علیه عراق آنجا را آلوده و ناپاک کرده است." دکتر عالوچی برای تلویزیون الجزیره تعریف می کند. « هوا، زمین و آب بوسیله همان سلاح ها آلوده شده است و هنگامی که انسان با چنین محیطی در تماس قرار می گیرد، سموم از این طریق داخل بدن انسان شده و بدن انسان آلوده به سموم موجود می گردد. این چیز جدیدی برای منطقه ما است و انسانها در اینجا بر اثر تنفس هوا، نوشیدن آب و تغذیه با مرگی تدریجی دست به گریبانند و به طور واقعی زجر و عذاب همیشگی می کشند.»

بر طبق یک مطالعه که در بولتن یک مجله فاکت نگارانه که مقر آن در جنوب غربی آلمان در شهر هایدلبرگ قرار دارد، به چاپ رسیده است، در بین سالهای 1994 و 2003 در شهر بصره تعداد متولدین ناقص الخلقه 7 برابر شده است.

بر اساس همین مطالعه هایدلبرگ مقدار سرب جمع شده در بین دندانهای شیری کودکان بصره نسبت به کودکانی که در منطقه شان مبارزه و جنگ نبوده است، 3 برابر می باشد.

باضافه اینکه هیچ گاه در شهر بصره تعداد نوزادان با ستون مهره پشت معیوب («با پشت باز») متولد شده این چنین زیاد نبوده است و این رقم در حال افزایش است. بر طبق این تحقیقات انجام شده تعداد نوزادان متولد شده با مشکلات هیدروسیفالوس («وجود آب در مغز») در شهر بصره، 6 برابر چنین نوزادانی در ایالات متحده آمریکاست.

عبدولحق آل آبی، نویسنده و محقق در امور اورانیوم در عراق، تحقیقاتی را در مورد تأثیرات اورانیوم ناقص بر روی عراقی ها بعد از سال 1991 انجام داده است. او برای خبرنگار الجزیره تعریف می کند که او شخصا خواست که مقدار اورانیوم موجود در شهرستان کربلا و همچنین بصره را اندازه گیری کند، و وسیله اندازه گیریش (Geigermättare) با سوتی بلند فریاد کشیده است زیرا که شاخص موجود در منطقه خیلی بالا بوده است.»

دکتر ساوابیه اصفهانی اشاره می کند که امراض بیوشیمیائی در کودکان بصره بین سال های 1993 و 2007 ، 4 برابر شده است.

بیماری سرطان افزایش یافته است- بیمار همزمان با غده های متعدد در گلیه و هم شکم، وبعنوان نمونه همچنین بیماری های نادر بسیار زیادی از آنجا گزارش شده است.»، او می گوید «این تجربیات به طور روشن و آشکار یک تهدید جدی برنامه ریزی شده علیه مردم عراق را نشان می دهد. برای برخورد با چنین بحران تهدید کننده سلامت مردم، برای اینکه از صدمات بیشتر از این جلوگیری شود، اقدامات فوری و همه جانبه بین المللی لازم و ضروری است.»

حقوق مردم و آینده

در قوانین بین المللی اصول روشنی برای برخورد با استفاده کننده گان از تجهیزاتی چون اورانیوم ناقص ، موجود هست.

پروتکل شماره 1 ماده 35 ، بعنوان یک تغییر در سال 1977 در کنوانسیون ژنو موجود است که همه متدها و وسائلی که در جنگ ها باعث صدمات غیر لازم و یا دلیل ایجاد رنج های غیر لازم می شوند

را ممنوع اعلام کرده است. ماده 35 همچنین ملت ها را از حمله با وسائل جنگی که می تواند صدمات طولانی مدت و انبوه را برای سلامت انسانها و محیط زیست ایجاد کنند، اکیدا ممنوع کرده است.

این اثرات شناسایی شده از اورانیوم در عراق به طور روشن از این می گوید که استفاده از چنین موادی به مقدار متناهی که به کار رفته است و از نظر طولانی مدت بودن و تأثیرات مخرب در سلامتی انسانها و محیط زیست شامل ممنوعیت های موجود در ماده 35 کنوانسیون ژنو در باره جنگ ها می باشد.

ماده 36 (پروتکل) کنوانسیون ژنو تمامی دولت های عضو را مجبور می کند که در باره کار بُرد و اثرات این سلاح ها ، مطالعه نمایند، متد ها و شیوه ها و وسائل موجود را پیشرفت و تکامل بخشند که بتوانند از نظر حقوقی بر کاربرد آنها نظارت نمایند.

تا کنون کشور بلژیک (2007) و کستاریکا (2011) قوانینی را گذرانده اند که کار برد اورانیوم ناقص را در داخل مرزهایشان ممنوع کرده است. سال 2008 پارلمان اتحادیه اروپا یک قطعنامه تصویب کرد که استفاده از اورانیوم ناقص را در حملات جنگی بر علیه رسم و قواعد عرفی و نوشتاری بین المللی غیر انسانی و آلودگی محیط زیستی می داند.

از طریق سلول های DNA والدین می توانند اورانیوم ناقص (DU) را به فرزندانش انتقال دهند. بر این اساس DU آلوده ای که بر اثر جنگ های آمریکا بر علیه مردم عراق در سال های 1990 و 2003 به کار برده است ، با احتمال زیاد و غریب به یقین در ادامه خود به تهدیدی جدی و طولانی مدت برای سلامت نسل ها در عراق تبدیل می گردد.

رد باقی مانده از اورانیوم ناقص (ضعیف شده) در عراق برای مدتهای مدیدی بعنوان یک خطر واقعی برای محیط زیست باقی می ماند، زیرا که اورانیوم ضعیف شده برای بیشتر از 4/5 میلیارد سال بعنوان رادیو آکتیو فعال یاقی خواهد ماند.

دکتر ساوا بیه اصفهان نظر می دهد که باید تحقیقات و مطالعات زیادی در عراق انجام بگیرد تا اندازه ی کامل صدمات و خسارات جانی و محیطی زیستی که سلاح اورانیوم ضعیف شده ای که در جنگ های بعد از 1990 بر علیه کشور عراق مورد استفاده قرار گرفته اند، مشخص شود.

او چنین به سخنان خود پایان می دهد « ما نیازمند امتحان و آزمایش های زیاد محیط زیستی هستیم تا قادر به بر آورد اندازه زیانها و صدمات ناشی از آلودگی ها ئی را که فلزات به کار برده شده در سلاح های مورد استفاده آنها برای مردم عادی عراق ایجاد کرده اند، گردیم.»

دکتر عالانی می گوید: « هیچ ترم پزشکی و داروئی برای تشریح این شرایط در حال حاضر موجود نیست، زیرا که هرگز ما چنین چیزی از گذشته تا کنون ندیدیم.» « چنین است هنگامی که من آنها را تشریح می کنم، فقط نقص های فیزیکی را شرح می دهم و قدرت اینکه به بیان پزشکی تبدیل نموده و شرح دهم، ندارم.»

دکتر هداد ناراحتی های خود را دو قسمت می کند، برای آینده کودکان خویش و سایر کودکان در عراق.

او می گوید: « من برای آنها ترس و هراس احساس می کنم.» و فقط می توانم متأسف باشم.

« آنها گرفتار مشکلات زیاد و عدیده هستند از قبیل مشکلات بهداشتی، سموم، و ما باید کار کنیم تا آنها را از امراض شیوع یافته، ارتعاشات و سموم شیمیائی نجات دهیم. این مرگ در سکوت است، زیرا که تو نمی توانی ببینی که مشکلات آنها خیلی بزرگ می شوند. آنها که اینها را باعث شدند قاتلان در سکوت هستند. عراقی ها ی بسیاری از این اوضاع رنج می کشند و اسفبارتر از همه اینکه من نمی توانم بگویم که کی این رنج های جانکاه را پایانی است؟»

دکتر عالانی مایل بود که انسانهای کاملاً عادی، بویژه انسانهایی که در آمریکا زندگی می کنند، در باره بحران فلوجه بدانند و آگاه گردند و یک چیز را نیز از آنها سؤال می کند.

« من از آنها تقاضا دارم و خواهش می کنم که از دولتشان بخواهند که این قدر صدمه به انسانهای خارج از مرزهای کشورشان نزنند» او می گوید ، « مخصوصاً به این مردم عراق.»

داهر جمائیل ، نویسنده ایم مطلب، روزنامه نگاری است که بیشتر از هر چیز به این مشهور است که از آن روزنامه نگاران محدودی است که با هلی کوپترهای نظامی پرواز نمی کند و در پناه نیروهای نظامی قرار نمی گیرد . او از اشغال سال 2003 گزارشات زیادی ارسال داشته است. او در بین سال 2003 و 2005 به مدت 9 ماه را در عراق سپری کرده است و گزارشات و حکایات خود را در وبلاگ شخصی خویش به نام چشم انداز خاورمیانه درج می کند. جمائیل برای اینتر پرس سرویس می نویسد. او همچنین یک نویسنده خیلی با هوش و مهمان رادیو نیو دموکراسی

بوده است! جما نیل همچنین در سال 2008 جایزه روزنامه نگاری The Martha Gellhorn شده است. آدرس اودر تویتر این است: twitter:@DahrJamail- از سایت ضد نت

منبع اصلی طلب به انگلیسی- وبلاگ شخصی

<http://dahrijamail.net/iraq-wars-legacy-of-cancer>

نگاه به جنگ در عراق از یک منظر دیگر و از دریچه خودشان: **چوخه های مرگ در عراق**، فیلمی که قسمت اول آنرا در تلویزیون سوئد بمناسبت دهمین سال جنگ امپریالیستی نیروهای آمریکائی و اروپائی (بریتانیا- اسپانیا- ایتالیا) و غیره بر علیه مردم عراق شروع و هنوز ادامه دارد، نشان داده شد. این، همان چوخه های مرگ هستند که در آمریکای لاتین حداقل 500 هزار کارگر کمونیست، سوسیالیست ، فعال اتحادیه ای، دهقانان زمین غصب شده و آزادیخواه را، بیشتر در محل کار به قتل رساندند. هفته قبل برای اولین در تاریخ یک دادگاه کشوری (گواتمالا) یک رئیس جمهور را به جرم جنایات علیه بشریت را دادگاهی و محکوم کرد. او متهم است که در زمان ریاست جمهوری اش بین سال های 1982-1983 یعنی دوران ریاست جمهوری دونالد ریگان بر کاخ سفید و با وزیر خارجه جانی تر از خودش کی شینجر، رئیس جمهوری که افتخاراتی چون کودتا خونین نظامیان شیلی و کشتار و ناپدید شدن حداقل 30 هزار انسان در آرژانتین را در پرونده خویش دارد، 200 هزار انسان کارگر کمونیست و سوسیالیست و غیره را به قتل رسانده و 45000 را سر به نیست کرده است، البته ، این فقط یکی از جنایاتی است که جوخه های مرگ دست پرورده دولت امپریالیستی و جانی آمریکا در آن دست داشته اند. این نیروهای مخوف که تحت نظر سازمان سیا آموزش می بینند و برای مبارزه با مخالفین سیاست های سرمایه پسند و ضد انسان آمریکا و در اغلب موارد بر علیه کارگران آگاه و کمونیست، فعالین اتحادیه های کارگری و روشنفکران از طبقه خویش بریده به کار برده می شوند و تا کنون میلیونها انسان را به قتل رسانده اند، آنها غالباً از نیروهای محلی با همان زبان، مذهب، و لباس تشکیل می گردند، تا وانمود کنند که این جنگ کثیف با توطئه امپریالیستی، جنگ داخلی و بین سکت های گوناگون قومی- مذهبی می باشد. اگر چه در اغلب مواقع اینهم یکی از شگردهای شناخته شده ی دولت های امپریالیستی است که از چنین سکت هائی استفاده می کنند، زیرا به قول برژینسکی مشاورملی و قدیمی امپریالیسم آمریکا در زمان ریاست جمهوری کارتر در امور خاورمیانه "منافع و سود سرمایه برای ما مهم است و نه اشخاص" نقل بمعنی،.

منشاء این جوخه های مرگ، بر می گردد به جنگ ویتنام در اول دهه 1970 که این جوخه ها برای اولین بار در جنگ ویتنام متولد شدند. در جنایاتشان در السالوادور با قتل عام 75 هزارانسان آزادیخواه و کمونیست و آواره نمودن یک میلیون انسان آل سالوادوری بالغ شدند و چیزی نمی گذرد که در عراق و دیگر کشورهای منطقه و البته اکثر مناطق جهان بالغیت خویش را می گذرانند. در همین دو سال قبل اعلام شد که سازمان سیا مشغول آموزش دادن نیروهای سازمان مجاهدین خلق ایران (مردان ما- <http://iran-interlink.org/fa/index.php?mod=view&id=12135>) می باشد. در قبل از جنگ و اشغال عراق در سال 2003 اعلام گردید که دولت آمریکا قصد دارد 10

هزار کرد و عرب را در کشور چک آموزش عملیات چریکی (تو بخوان انسانکشی) دهد. با دیدن این فیلم که البته گوشه کوچکی از جنایات علیه بشریت است که از جانب دستگاههای اطلاع رسانی امپریالیستی ساخته و نشان داده می شود و بحق می توان از آن بعنوان قله کوه یخ یاد کرد، می توان و می باید پرسید که آیا کسانی که هنوز هم جیره امپریالیستی را دارند، را می شود، انقلابی که هیچ، انسان نامید؟ به باور من، بهیچ وجه!

البته در این فیلم هم بهیچ عنوان از اینکه «جنگ ادامه سیاست به شکل دیگر است و سیاست فشرده اقتصاد هست.» چیزی نمی گویند.

آرونداتی روی نویسنده مشهور هندی در همان سال های اولیه جنگ امپریالیست ها که گرین پیس رئیس بانک مرکزی آمریکا در همان زمان از آن بعنوان جنگ برای نفت یاد کرد و اشغال همراه با بمباران و ویران نمودن عراق، مقاله ای در این رابطه نوشته است. خانم روی در این نوشتار از آن جمله به یک واقعیت قابل توجه اشاره دارد. او می نویسد که در کشور عراق 32 بنا و ساختمان و اثر تاریخی وجود داشتند که از طرف سازمان حفاظت بنا های تاریخی، سازمان جهانی بورژوازی، بین دولتین امپریالیستی (سازمان ملل متحد) بعنوان آثار نفیس باستانی برسمیت شناخته شده بودند. این سازمان نیروهای آمریکائی را متعهد به حفظ این آثار در ایام جنگ دانسته بود و این نیروهای اشغالگر این قول را داده بودند. بر طبق نوشتار آرونداتی روی و همچنین دیگران، فقط یک اثر سالم ماند و آنهم ساختمان وزارت نفت عراق بود. این به باور من، راز اصلی این جنگ و این همه کشتار را بیان می کند و از منافع اقتصادی ای می گوید که جنگ در عراق را سبب اصلی است و نه چرندیاتی مانند دموکراسی و حقوق بشر و یا مبارزه بر علیه دیکتاتوری و تروریسم و مزخرفات دیگر که فقط قلم بدستان مزدور و نواله خور و سیاستمداران دروغگو و رذل در اپوزیسیون و پوزیسیون دولت های کنونی هستند که خوش دارند از آن بنویسند و بگویند و امروزه نیز، هنوز، با تمام این افشاء گری ها حتی در اپوزیسیون ایران و شوربختانه اسم خویش را نیز کمونیست و کمونیست کارگری گذاشته اند و از آن صحبت می کنند و با نمایندگانشان دادگاه بین المللی تشکیل می دهند تا جانیان اسلامی در ایران یعنی قاتلان زندانیان سیاسی که با اطلاع خود این دولت ها ی انسانکش انجام وظیفه کرده اند، باصطلاح به محاکمه بکشند. شرمندان باد!

البته همان طور که همه می دانیم 40% انرژی فسیلی مورد استفاده جهان سرمایه داری امپریالیستی امروز از این منطقه یعنی خاورمیانه استخراج و صادر می شود، این را اضافه کنید به فروش سلاح به کشورهای منطقه و ویران کردن و بعد ساختن و غیره که سودهای سرشار و باد آورده ای برای شرکت های چند ملیتی سرمایه داران حزیص و طماع دارد، آنگاه بمعنی جنگ برای نفت و منطقه سوق الجیشی عراق و خاورمیانه بیشتر پی می برید و به محتوای جملات بوش که من نمایندگی حضرت مسیح را یافته ام که فرهنگ مسیحی و انسان دوستی اش به مناطق دیگر صادر کنم و به سرنگونی رژیم های شرور برگزیده شده ام، بیشتر آشنا می شوید.

این فیلم را نیز همان طور که در بالا نوشتم، البته که ما کارگران کمونیست نساخته ایم، این فیلم را در سال 2013 بی بی سی دستگاه اطلاع رسانی امپریالیست ها ساخته است. در این رابطه باز هم می توانید به مقاله جان پیلجر (چوخه های مرگ به عراق برای ویران کردن آنچه باقی مانده است، می روند" و دیگر نوشته های بخصوص جان پیلجر و نوامی کلاین مراجعه کنید. دو نوشته نام برده

و یکسری از این نوشتار را، من (حمید قربانی) به فارسی برگردانده ام که می توان در سایت های اینترنتی و بویژه نشریه به پیش! نشریه سیاسی اتحاد سوسیالیستی کارگری که آن زمان من با آن همکاری داشتم، یافت.

لینک فیلم به زبان سوئدی. و چند نوشته به زبان انگلیسی در این رابطه :

<http://www.svt.se/dokument-utifran/se-program/del-1-580?autostart=true>

جنگ عراق: 10 سال جنگ، 10 سؤال

Iraq War: Ten years, ten questions

<http://www.dailymaverick.co.za/article/2013-03-20-iraq-war-ten-years-ten-questions/#.UVf2mlFvnIU>

جنگ صلیبی بر علیه جهادی ها: داستانها و روایات دروغ (ساختگی) در باره یک جنگ ناحق (ظالمانه و ویرانگر)

Crusade versus Jihad: The mistaken narratives of a misbegotten war

<http://www.dailymaverick.co.za/article/2013-03-19-crusade-versus-jihad-the-mistaken-narratives-of-a-misbegotten-war/#.UVf3h1FvnIV>

سخنرانی آرونداتی روی بمانسبت دهمین سال جنگ و اشغالگری نیروهای امپریالیستی در عراق در باره میراث این جنگ

<http://www.zcommunications.org/iraq-war-10th-by-arundhati-roy>

حمید قربانی